Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 15, No. 1, 2026
Research Paper

Examining the Translation of Similar Verses Based on Antoine Berman's Theory (Case Study: Translations by Khorramshahi, Garmaroudi, and Kousha)

Zahra Hashemi, Nadali Ashoori Talooki*, Mohamadali Haidari

Doctoral student of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Jurisprudence and Law, Najaf Abad Azad University, Isfahan, Iran
Department of Quranic Sciences and Hadith, Azad University, Najafabad Branch, Isfahan, Iran
Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Law and Health, Najaf Abad Azad University, Isfahan, Iran

Abstract

The translation of the Qur'an adheres to specific principles, one of which is the consistency in rendering similar verses. The Qur'an comprises numerous similar or repetitive verses and sentences, and precision in translating them plays a key role in producing a version that closely reflects the source text. Antoine Berman, a contemporary translation theorist, has made a significant impact in the field of translation studies. He emphasizes preserving the authenticity of the source text and regards any alteration in the author's style, linguistic structure, verbosity, and so forth as forms of textual distortion. In this study, adopting a descriptive–analytical method, 45 similar verses and sentences—selected according to certain Bermanian distortion parameters most frequently observed in three contemporary translations (by Khorramshahi, Garmaroudi, and Kousha)—were evaluated in three sections: (1) the rendering of 11 similar sentences containing repetitive words, (2) the rendering of 24 similar verses repeated within a single surah, and (3) the rendering of 9 verses where two or more similar verses occur in different surahs. Each section was subdivided into three categories based on the degree of verse or sentence similarity, making a total of nine categories. Within each category, the consistency of their renderings was examined and compared, and the proposed translations were presented. The findings indicate that, in terms of rationalization, clarification, and expansion, the greatest degree of distortion was found in the translations of Kousha, Garmaroudi, and Khorramshahi, respectively. Regarding the destruction of textual structures, the order was Khorramshahi, Garmaroudi, and Kousha, and concerning quantitative impoverishment, Khorramshahi, Kousha, and Garmaroudi. Furthermore, despite the theoretical emphasis of all three translators on the uniform rendering of similar verses, their translations did not achieve full consistency in practice.

Keywords: Translation, Translator, Repetition, Khorramshahi, Garmaroudi, Kousha.

This is an open access article under the CC- BY 4.0 License (Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License).

https://doi.org/10.22108/nrgs.2025.141911.1966

پژوهش‌های زبانشناختی قرآن
سال پانزدهم، شماره اول، شماره پیاپی (۲۹)، ۱۴۰۵
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱
صص: ۸۶- ۷۳

مقاله پژوهشی

بررسی ترجمهٔ آیات مشابه بر اساس نظریهٔ آنتوان برمن (مطالعهٔ موردی: ترجمهٔ خرمشاهی، گرمارودی و کوشا)

زهرا هاشمی [۱]، نادعلی عاشوری تلوکی [۲*]، محمدعلی حیدری [۳]

۱- دانشجوی دکتری گروه الهیات(علوم قرآن وحدیث)، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
zhashmi1362@gmail.com
۲- دانشیار گروه الهیات(علوم قرآن وحدیث)، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
nadali_ashoori@yahoo.com
۳- استادیار گروه فقه و حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
ma1.heidari@yahoo.com

چکیده

ترجمهٔ قرآن اصول خاصی دارد که یکی از این اصول یکسانی برگردان آیات مشابه است. قرآن کریم متشکل از آیات و جملات مشابه یا تکراری است و دقت در ترجمهٔ آنها در ارائهٔ ترجمه‌ای با بیشترین شباهت به متن اصلی نقش دارد. آنتوان برِمَن، نظریه‌پرداز معاصر علم ترجمه، تأثیری ویژه در زمینهٔ مطالعات ترجمه داشته است. او بر حفظ اصالت متن مبدأ تأکید دارد و هر گونه تغییر در سبک نویسنده، ساختار زبان، اطناب کلام و ... را از جملهٔ عوامل تحریف متن برمی‌شمارد. در این پژوهش، به روش توصیفی تحلیلی، ٤٥ آیه و جملهٔ مشابه، در سه بخش، بر اساس برخی از مؤلفه‌های تحریف متن برمن که بیشترین تکرار را در سه ترجمهٔ معاصر (خرمشاهی، گرمارودی و کوشا) داشتند، ارزیابی شدند: بخش اول برگردان ۱۱ جملهٔ مشابه که واژه‌های تکراری دارند، بخش دوم برگردان ٢٤ آیهٔ مشابه که در یک سوره تکرار شدند و بخش سوم برگردان ۹ آیه که هر دو یا چند آیهٔ مشابه در سوره‌های مختلف تکرار شدند. هر بخش با توجه به تشابه آیات و جمله‌ها شامل سه قسم است: در هر قسم از آیات و جمله‌های مشابه که جمعاً ۹ قسم می‌شوند، یکسانی برگردان آنها نیز بررسی و مقایسه و ترجمهٔ پیشنهادی ارائه شد. نتایج حاصل این است که در منطقی‌سازی، شفاف‌سازی و اطناب، بیشترین تحریف را به‌ترتیب کوشا، گرمارودی و خرمشاهی داشته است. در تخریب سیستم‌بندی‌های متن، به‌ترتیب خرمشاهی، گرمارودی و کوشا، و در تضعیف کمّی، به‌ترتیب خرمشاهی، کوشا و گرمارودی بیشترین تحریف را داشته است. همچنین، با وجود مبنای نظری سه مترجم معاصر به یکسانی برگردان آیات مشابه، برگردان آنها نیز در هر سه ترجمه کاملاً یکسان نشده است.

واژگان کلیدی: برگردان، مترجم، تکراری، خرمشاهی، گرمارودی، کوشا.

۱-بیان مسأله

یکی از مباحث مهم علوم قرآنی موضوع آیات مشابه، تکرار جمله‌ها و تعابیر مختلف قرآنی است. قرآن کریم با تعابیر گوناگون به موضوع آیات مشابه اشاره کرده است و آن را نشانهٔ

*نویسنده مسئول

والابودن سخن دانسته است: «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتاباً مُتَشابِهاً مَثانِيَ ...» (زمر: ۲۳) «کتابی[۱] که آیاتش اختلافی با هم ندارند، و مشابه یکدیگر هستند.»

قرآن کریم متشکل از آیات و جملاتی کاملاً مشابه است و دقت در ترجمهٔ آنها، در ارائهٔ ترجمه‌ای با بیشترین شباهت به متن اصلی نقش دارد. تکرار از جملهٔ ویژگی‌های متن قرآن کریم است. در دیگر کتب آسمانی همچون تورات و انجیل، آن‌گونه که امروز در عهد قدیم و عهد جدید می‌بینیم، نیز گونه‌هایی از تکرار دیده می‌شوند؛ اما این ویژگی در قرآن کریم چنان برجسته است که هر خوانندهٔ آشنای این متن را به خود متوجه می‌کند (کریمی‌نیا، ۱۳۹۴ش، ج۲، ص۵۳۳).

از دیدگاه ترجمه‌شناسی و نقد ترجمه، نکتهٔ جالب توجه این است که آیا برگردان متن‌هایی که تکرار در آنها موجود و نمود خاصی دارد و اهداف بلاغی ویژه‌ای را دنبال می‌کند نیازمند رویکرد خاصی است؟

صاحب‌نظران حوزهٔ نقد ترجمه و گفتمان‌شناسی باور دارند انتقال ویژگی‌های بلاغی متن، از جمله تکرار و گونه‌های دیگر پیوند واژگانی، مستلزم ظرافت‌ها و زیروبم‌های ویژه‌ای است که برای نمونه، رویکردهایی مانند به کار بردن واژه‌های مترادف، به‌جای تکرار عین واژه، حذف واژهٔ تکراری یا تلفیق، ادغام و خلاصه‌سازی عبارت تکراری، نه فقط از انتقال مقاصد بلاغی پدیدآورندهٔ متن باز می‌مانند، که تأثیرات معنایی آن را خدشه‌دار خواهند کرد (غضنفری، ۱۳۹۴ش، ج۵، صص۷۰۲-۷۰۴).

امروزه، با پیشرفت دانش ترجمه، ترجمهٔ قرآن نیز وارد مرحله‌ای نوین شده است. برگردان کلام الهی باید با رعایت اصول کامل ترجمه، امانتداری به متن اصلی و دارای بیشترین شباهت به قرآن کریم باشد. در فن ترجمه، رعایت جهات ادبی (صرف، نحو، لغت) و رعایت جهات بلاغی (تکرار، تکیه و جزئیات مربوط به آن) بسیار ضروری است.

با توجه به اهمیت نقد ترجمه‌های قرآن در انتقال بهتر و کامل‌تر معانی موجود در آیات قرآن، پژوهش در ترجمه‌ها و نقد آنها ضرورت می‌یابد. نقد و ارزیابی ترجمه بهتر است با یک نظریه به صورت روشمند و علمی صورت بگیرد تا نتایج آن اطمینان‌آور باشد. نظریه‌پردازان ترجمه الگوهایی مختلف برای ارزیابی ترجمه ارائه داده‌اند. الگوی ارزیابی ترجمهٔ آنتوان برمن با تأکید بر حفظ اصالت متن مبدأ و پرهیز از ایجاد تغییر در ترجمه، تأثیری ویژه در زمینهٔ مطالعات ترجمه داشته است. او با بیان سیزده گرایش ریخت‌شکنانه در ترجمه، ترجمه‌ها را تحلیل می‌کند.

موضوع آیات مشابه، اسرار و حکمت این‌گونه آیات، اهمیت و توجه به تکرار آیات همیشه برای پژوهشگران قرآنی حائز اهمیت بوده است. تکرارهای قرآن از روی تدبیر به کار گرفته شده‌اند و اهدافی در کاربرد آنها نهفته است. در ترجمه یا برگردان این آیات نیز دقت ویژه لازم است.

ترجمهٔ قرآن قواعد و اصولی دارد که یکی از این اصول یکسانی برگردان آیات مشابه است. در ترجمه‌های معاصر تا حدودی به این اصل توجه شده، اما به طور کامل در ترجمه‌ها رعایت نشده است. این موضوع نگارنده را بر آن داشت تا پژوهشی دربارهٔ برگردان این‌گونه آیات با توجه به نظریه‌های ترجمه انجام دهد. برای رسیدن به این هدف، نظریهٔ ترجمهٔ برمن که مبدأگراست و توجه ویژه به متن اصلی دارد برای ارزیابی ترجمهٔ آیات مشابه کلام وحی انتخاب شد؛ زیرا بر پایهٔ این نظریه، شیوهٔ عملکرد مترجمان به شکل روشمند ارزیابی می‌شود تا از این رهگذر، نقاط قوت و ضعف ترجمه به دست آیند.

این پژوهش در نظر دارد تا بر مبنای نظریهٔ آنتوان، برگردان ۴۵ آیه و جملهٔ مشابه را در سه بخش، بر اساس برخی از مؤلفه‌های تحریف متن برمن که بیشترین تکرار را در سه ترجمهٔ معاصر (خرمشاهی، گرمارودی و کوشا) دارند، ارزیابی کند. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: منطقی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب، تخریب سیستم‌بندی متن و تضعیف کمّی متن. در این پژوهش، به پرسش‌های زیر پاسخ داده خواهد شد:

۱- بر اساس برخی از مؤلفه‌های ریخت‌شکنانهٔ آنتوان برمن، میزان تحریف سه ترجمهٔ منتخب در برگردان آیات مشابه نسبت به ساختار متن اصلی تا چه اندازه بوده است؟

۲- با توجه به اصل یکسانی ترجمهٔ آیات و جمله‌های

---

[۱] این تشابه غیر از تشابهی است که در مقابل محکم است، زیرا تشابه دومی صفت بعضی از آیات قرآن است و در آیهٔ مورد بحث، همهٔ آیات را متشابه خواند. آن تشابه به معنای واضح‌نبودن معنای آیه است و این تشابه به معنای آن است که سراسر قرآن آیاتش از این نظر که اختلافی با هم ندارند و هیچ آیه‌ای با آیهٔ دیگر ضدیت ندارد، مشابه یکدیگر هستند.

مشابه، یکسانی برگردان این‌گونه آیات در سه ترجمهٔ منتخب تا چه اندازه رعایت شده است؟

۲- پیشینهٔ پژوهش

دربارهٔ موضوع آیات مشابه و نقد ترجمه‌ها یا نقد ترجمه‌ها با توجه به نظریهٔ آنتوان برمن پژوهش‌های زیادی انجام شده‌اند، از جمله:

۱- «چالش‌های ترجمهٔ آیات متشابه لفظی مفرد در قرآن کریم (موردکاوی: موارد ناهمگون به لحاظ اسم و فعل یا نوع فعل)» توسط سیاوشی و سلمانیان (۱۳۹۵ش). در این مقاله، آیات مشابه لفظی که به لحاظ موضوعی و واژگانی یکسان هستند در چند ترجمهٔ معاصر واکاوی شدند. در کنار تحلیل چرایی تشابه و تفاوت موجود در برخی از آیات متشابه لفظی مفرد، روشن شد در بیشتر موارد، مفاهیم آیات مورد بحث به‌درستی برگردان نشده‌اند؛ از این رو، نگارنده برگردانی دقیق‌تر از این‌گونه آیات را پیشنهاد داده است.

۲- «بررسی تطبیقی یکسان‌سازی ترجمهٔ اسم، فعل و حرف در ترجمه‌های معاصر قرآن کریم، مطالعات تطبیقی قرآن‌پژوهی» توسط حاجی خانی و همکاران (۱۳۹۵ش). در این مقاله، اصول یکسان‌سازی یا انسجام در ترجمه بر اساس محورهای یکسان‌سازی (اسم و فعل و حروف، ساختارهای نحوی و صرفی، ترکیب‌ها و عبارت‌ها، جمله‌ها و آیات مشابه) در ترجمه‌های سه‌گانهٔ قرآن (تحت‌اللفظی، وفادار، تفسیری) بررسی شده و نتایج آن به صورت جدول درآمده است.

۳- «نقد واژگانی ترجمهٔ موسوی گرمارودی از قرآن کریم (با تکیه بر سطح معنایی-لغوی گارسس)» توسط رحیمی خویگانی (۱۳۹۶ش). مهم‌ترین یافتهٔ این پژوهش این است که واژگان ترجمهٔ گرمارودی از منظر مؤلفه‌های نظریهٔ گارسس قابل نقد و ارزیابی هستند. این ترجمه توضیحی تفسیری است و مواردی بی‌شمار از همانندسازی، معادل‌سازی، قبض و بسط واژگانی و ... در خود دارد.

۴- «زیبایی‌شناسی آیات مشابه در قرآن کریم» توسط زرکار و نجفی ایوکی (۱۳۹۸ش). در این پژوهش، اسلوب و ساختار متنوع آیه‌های با تشابه لفظی و معنایی از زوایای مختلف ارزیابی شد و علت اصلی تفاوت در ساخت جملات مشابه تنوع‌بخشی به سخن، تنوع در گفتار، اهمیت‌بخشی به موضوع و اثرگذاری آن بر مخاطب بیان شد.

۵- «ارزیابی شگردهای ترجمهٔ طاهره صفارزاده بر پایهٔ عوامل تحریف متن آنتوان برمن، مطالعهٔ موردی: سورهٔ نساء» توسط افضلی و ثنایی (۱۳۹۹ش). در این پژوهش، ترجمهٔ صفارزاده بر اساس شش مؤلفه از مؤلفه‌های تحریف برمن بررسی شده است که از پربسامدترین عوامل تحریف در این ترجمه هستند. مترجم از دیدگاه انتقال ساختار و درون‌مایه، ترجمه‌ای وفادار به متن اصلی ارائه کرده، ولی در بسیاری از موارد، عبارت‌ها را به صورت واژه به واژه برگردانده است.

٦- «بررسی کارآمدی الگوی برمن در ارزیابی ترجمهٔ قرآن؛ مورد مطالعه: گرایش منطقی‌سازی» توسط نیازی و همکاران (۱۳۹۹ش). در این پژوهش، گرایش منطقی‌سازی در ترجمهٔ رضایی اصفهانی بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد منطقی‌سازی گاهی اختیاری و اجباری است. منطقی‌سازی اختیاری در تحلیل منفی و پرهیز از آن در تحلیل مثبت قرار می‌گیرد. منطقی‌سازی اجباری باید به عنوان تبصره‌ای در به‌کارگیری الگوی برمن قرار گیرد. عامل منطقی‌سازی اجباری در ترجمه را می‌توان در ناخوش‌ساخت شدن ترجمهٔ فارسی و ... جست‌وجو کرد.

۷- «ارزیابی ترجمهٔ الهی قمشه‌ای بر اساس نظریهٔ آنتوان برمن (مورد پژوهی سورهٔ مریم)» توسط نویدی و همکاران (۱٤۰۲ش). در این پژوهش، ترجمهٔ سورهٔ مریم از الهی قمشه‌ای بر اساس نظریهٔ برمن بررسی شده است. نتایج حاصل این است که در ترجمهٔ الهی قمشه‌ای عناصر تفسیری و توضیحات پرانتزی زیادی به کار رفته‌اند و متن ترجمه در برخی از موارد از متن اصلی فاصله گرفته است.

با بررسی و مطالعهٔ پژوهش‌های انجام‌شده مشخص شد پژوهشی دربارهٔ چگونگی برگردان آیات مشابه بر اساس نظریهٔ آنتوان برمن و مقایسهٔ تطبیقی در سه ترجمهٔ معاصر خرمشاهی، گرمارودی و کوشا انجام نشده است و این پژوهش در نوع خود جدیدترین پژوهش است.

در این پژوهش، برگردان ٤٥ آیه و جملهٔ مشابه، در سه بخش، بر اساس برخی از مؤلفه‌های تحریف متن برمن که بیشترین تکرار را در سه ترجمهٔ معاصر (خرمشاهی، گرمارودی و کوشا) دارند، ارزیابی می‌شوند: بخش اول برگردان ۱۱ جمله که واژه‌های تکراری دارند، بخش دوم برگردان ۲٤ آیه مشابه که

در یک سوره تکرار شدند و بخش سوم برگردان ۹ آیه که هر دو یا چند آیه در سوره‌های مختلف تکرار شدند. هر بخش با توجه به تشابه آیات و جمله‌ها شامل سه قسمت است که جمعاً ۹ قسم می‌شوند. یکسانی برگردان آنها نیز بررسی و ترجمهٔ پیشنهادی ارائه خواهد شد. امید است نتایج این پژوهش بتواند برای مترجمان و پژوهشگران قرآن کریم مؤثر واقع شود.

۳- معنای لغوی مشابه

الشَّبَه: ضرب من النحاس يلقى عليه دواء فيصفر، و سمى شَبَها، لأنه شُبِّهَ بالذهب. و فى فلان شَبَهٌ من فلان و هو شَبَهُهُ و شِبْهُهُ، أي: شَبِيهه. و تقول: شَبَّهْت هذا بهذا [و أشْبَهَ فلان فلانا] (الازهری، ۲۰۰۱م، ج۶، ص۵۶؛ فراهیدی البصری، ۱۳۶۴ش، ج۳، ص۴۰۴) الشِّبْهُ و الشَّبَهُ و الشَّبِيهُ: المِثْلُ، و الجمع أَشْباهٌ. و أَشْبَه الشيءُ الشيءَ: ماثله (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ص۵۰۳).

الشِّبْهُ و الشَّبَهُ و الشَّبِيهُ: حقيقتها في المماثلة من جهة الكيفيّة، كاللّون و الطّعم، و كالعدالة و الظّلم، و الشُّبْهَةُ: هو أن لا يتميّز أحد الشّيئين من الآخر لما بينهما من التّشابه، عينا كان أو معنى، قال: «وَ أُتُوا بِهِ مُتَشابِهاً ...» (بقره: ۲۵)، أي: يشبه بعضه بعضا لونا لا طعما و حقيقة (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص۴۴۳)

شبه (بر وزن علم و فرس) مثل و نظیر. شبهه آن است که دو چیز در اثر مماثلت از همدیگر تشخیص داده نشوند، چه شباهت عینی باشد و چه معنوی (قرشی بنابی، ۱۳۷۱ش، ص۳).

در آیهٔ «هُوَ الَّذي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتابَ مِنْهُ آياتٌ مُحْكَماتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتابِ وَ أُخَرُ مُتَشابِهاتٌ ...» (آل عمران: ۷)، واژهٔ «متشابه» در مقابل واژهٔ «محکم» بار معنایی دیگری دارد. «متشابه» در این آیه کلامی است که به دلیل مشابهت لفظی و معنوی‌اش، تفسیر آن مشکل و ظاهر آن گویای مرادش نیست. «متشابهات» بیان‌شده در آیه که وصف برخی از آیات است غیر از متشابهی است که مدنظر پژوهش حاضر است؛ در این پژوهش آیات شبیه به هم یا تکراری منظور است که مشابه لفظی هستند.

۴- مبانی نظری پژوهش

آنتوان برمَن (۱۹۹۱-۱۹۴۲م) فیلسوف، زبان‌شناس و مترجم مبدأگرای فرانسوی است که با نقد ترجمه‌های معاصر، نظریه‌های خود را دربارهٔ ترجمه ارائه می‌دهد. او در حوزهٔ ترجمه تأثیر گذاشته و گونه‌ای جدید از نقد را پیش کشیده است. وی با طرح الگوی «گرایش ریخت‌شکنانه»، نظریه‌هایی را نقد کرد که تمام توجه خود را به زبان مقصد معطوف کرده بودند (برمان، ۱۹۹۹م).

در همین راستا، «گرایش‌های ریخت‌شکنانه» خود را در سیزده مؤلفه طرح می‌کند که ممکن است مترجم در ترجمهٔ خود از طریق در هم شکستن ساختار متن اصلی مرتکب آنها شود. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: منطقی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب، آراسته‌سازی، تضعیف کمّی، تضعیف کیفی، همگون‌سازی، تخریب ضرب آهنگ متن، تخریب سیستم‌بندی متن، تخریب یا غیربومی‌کردن شبکه‌های زبانی بومی، تخریب عبارت‌ها و خاصه‌گی‌های زبان و امحای برهم‌نهادگی زبان (عقیلی آشتیانی، ۱۳۸۳ش، ص۸؛ احمدی، ۱۳۹۲ش، ص۱).

آنتوان برمن سیستم تحریف متن را هر گونه حذف، اضافه، تغییر در سبک نویسنده، تغییر ساختار زبان، اطناب کلام و حتی تغییر در نقطه‌گذاری و پاراگراف‌بندی می‌داند (افضلی و ثنایی، ۱۳۹۹ش، صص۱۵۳-۱۵۶). با کاربست نظریهٔ وی، می‌توان میزان وفاداری مترجم به متن اصلی را به دست آورد. با اینکه این نظریه یکی از کاربردی‌ترین نظریه‌ها برای سنجش متون ادبی است، با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی و گفتمانی، پایبندی به عقیدهٔ برمن در تمام این موارد بسیار دشوار است (مهدی‌پور، ۱۳۸۹ش، ص۶۳).

برمن در ترجمه به متن اصلی بیشتر گرایش دارد و بیشتر پژوهش‌های روی ترجمه‌های ادبی هستند. او معتقد است مترجم نباید با ترجمه، متن اصلی را از رنگ و بو و ویژگی‌های اصلی خود دور کند؛ این نگاه بیشترین قرابت را در ترجمهٔ متون دینی به ویژه ترجمهٔ قرآن کریم دارد که کلام وحی است و قداستی ویژه دارد و ترجمه باید با بیشترین شباهت به متن اصلی باشد.

در این پژوهش، ابتدا برخی از مؤلفه‌های تحریف متن برمن که بیشترین تکرار را در سه ترجمهٔ معاصر (خرمشاهی، گرمارودی و کوشا) دارند، شرح خواهیم داد.

۴-۱- منطقی‌سازی

منطقی‌سازی مربوط به ایجاد تغییر در ساختار نحوی و

چیزی مانند جابه‌جاکردن و تغییر مکان یا حذف نشانه‌های سجاوندی است (برمان، ۲۰۱۰م، ص۷٤). مترجم در این مؤلفه، با توجه به زبان مقصد، جملات و زنجیرهٔ آنها را بازتولید و مرتب می‌کند. برای مثال، مترجم برای جملاتی که در متن مبدأ فعل ندارند فعل می‌آورد، جملات بلند را کوتاه می‌کند و به‌اصطلاح، جملات را می‌شکند یا جملات معترضه را جابه‌جا یا اضافه و کم می‌کند. در حقیقت، برمن فرایند منطقی‌سازی را تحریفی در متن اصلی قلمداد می‌کند (مهدی‌پور، ۱۳۸۹ش، ص۳). منطقی‌سازی نوعی تغییر در ساختار نحوی جملات است و به عنوان یکی از عوامل تحریف متن اصلی در ترجمه‌ها نمودار شده است.

گرایش منطقی‌سازی در ترجمه گاه اجباری و گاه اختیاری است. منطقی‌سازی اختیاری در تحلیل منفی و پرهیز از آن در تحلیل مثبت جای می‌گیرد؛ هرچند منطقی‌سازی اجباری باید به عنوان تبصره‌ای در به‌کارگیری الگوی برمن در ارزیابی ترجمهٔ قرآن در نظر گرفته شود. عامل منطقی‌سازی اجباری را در ترجمهٔ قرآن کریم می‌توان در ناخوش‌ساخت شدن ترجمهٔ فارسی، تفاوت در چگونگی نشان‌داری سازه‌های دو زبان و خدمت واژه به معنا در زبان جست‌وجو کرد (نیازی و همکاران، ۱۳۹۹ش، ص۱۱۱).

منطقی‌سازی از جملهٔ بایسته‌های اصلی مترجمی است که می‌خواهد متنی را از عربی به فارسی و برعکس برگرداند؛ زیرا ساختارهای این دو زبان با هم تفاوت‌های بسیاری دارند. پس در تغییرات اجباری که مترجم در فرایند ترجمه بین دو زبان انجام می‌دهد پذیرفتنی است؛ اما گاهی ممکن است مترجم تغییراتی دهد که به لحاظ ساختار طبیعی زبان ضرورت نداشته باشد یا برای روانی و ساده‌کردن متن ترجمه برای مخاطبان زبان مقصد ناچار باشد برخی از مؤلفه‌ها را نادیده بگیرد؛ هرچند نظریه‌پرداز با آن مخالف باشد (نامداری و همکاران، ۱٤۰۰ش، ص۱۹۸).

٤-۲- شفاف‌سازی

شفاف‌سازی به نوعی به فرایند منطقی‌سازی مربوط می‌شود؛ با این تفاوت که در منطقی‌سازی روشنگری در سطح ساختار نحوی جمله‌ها صورت می‌گیرد، اما شفاف‌سازی مربوط به روشنگری در سطح معناست. طبق این نظریه، مطلبی که در متن اصلی به صورت «تعریف‌نشده» مطرح شده است، در متن مقصد به صورت «تعریف‌شده» درمی‌آید؛ یعنی مترجم با افزودن کلمه یا کلماتی به متن به روشن‌کردن متن دست می‌زند؛ البته گفتنی است برمن بر وابستگی عمل ترجمه به شفاف‌سازی صحه می‌گذارد، اما مخالفت برمن به فروکاستن در «چندمعنایی» به «تک‌معنایی» و شرح و توضیح مواردی مربوط می‌شود که گوینده در متن اصلی نمی‌خواسته است روشن باشند و افزودن واحدهای معنایی که به اطناب منجر می‌شوند (مهدی‌پور، ۱۳۸۹ش، ص۵۹).

شفاف‌سازی یعنی بیان مطالبی که نویسنده در متن بیان نکرده است و ممکن است برای مخاطب مبهم باشد. شفاف‌سازی به نوعی همان توضیحات تفسیری است که مترجمان قرآن برای فهم بیشتر خواننده درون کمانک می‌نویسند که در برخی از ترجمه‌ها بسیار دیده می‌شود.

یکی از قواعد ترجمه جداسازی متن از توضیحات به وسیلهٔ پرانتز یا علائم مشابه است تا خواننده بتواند میان کلام الهی و کلام مترجم تفاوت بگذارد و اشتباه نشود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳ش، ص٦۹)، اما این توضیحات نباید در حد زیادی در ترجمه دیده شود. از نظر برمن، مطالبی که توسط نویسنده آشکار نشده است، نباید توسط مترجم آشکار شود.

٤-۳- اطناب

برمن اطناب در ترجمه را حاصل دو فرایند منطقی‌سازی و شفاف‌سازی می‌داند (برمان، ۲۰۱۰م، ص۷۹). اطناب مفصل‌کردن کلام است، به گونه‌ای که حجم ترجمه بیشتر از متن اصلی شود (جرجانی، ۱۹۸۳م، ص۳۰). برمن، همانند مترجمان و نظریه‌پردازان، واقف است که هر ترجمه‌ای از متن اصلی‌اش طولانی‌تر است. او معتقد است مترجم ایدهٔ فشردهٔ متن مبدأ را باز می‌کند و این کار را «تهی‌شدگی» می‌نامد که تأثیری در غنابخشیدن به جان کلام ندارد؛ از این رو، بر آن جملهٔ معروف خود (افزوده هیچ نمی‌افزاید) تأکید می‌کند و افزوده را صرفاً در راستای انباشته‌کردن حجم متن و بی‌ثمر می‌داند (مهدی‌پور، ۱۳۸۹ش، ص٦۰).

اطناب، واژگان مترادف، توضیحات تفسیری زیاد و ... است که در بیشتر ترجمه‌ها قابل مشاهده می‌شود. مترجم می‌تواند برای برطرف‌کردن این مشکل از پانوشت استفاده کند.

توجه به پانوشت‌ها و استفاده از ظرفیت آنها برای طرح مباحث مختلف قرآنی نیز حائز اهمیت بسیار است و مترجم می‌تواند با شرح و بسط این مباحث در پانوشت‌ها برای خواننده توضیحی افزون‌تر بیاورد (کوشا، ۱۳۹۹ش، صص ٦٤٢-٦٤٦).

٤-٤- تخریب سیستم‌بندی‌های متن

رویکرد تخریب سیستم زبانی بیشتر جنبهٔ دستوری دارد و نوع جملات و ترکیبات به‌کاررفته و زمان و افعال را در بر می‌گیرد. استفاده از منطقی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب یا هر نوع تغییری که باعث تغییر در مفهوم جمله شود، این سیستم زبانی را به هم می‌ریزد (برمان، ۲۰۱۰م، ص۸۷)، مانند تغییر فعل معلوم به مجهول، نادیده‌گرفتن تأکیدها، اضافه‌شدن کلماتی که در متن معادل ندارند و ... .

٤-٥- تضعیف کمّی

این گرایش، به کاسته‌شدن تعداد کلمات اشاره دارد (برمان، ۲۰۱۰م، ص۸۳). باید توجه کرد حذف دال‌ها بدون در نظر گرفتن مقصود نویسنده موجب تحریف متن می‌شود و این همان تحریفی است که برمن از آن به عنوان «تضعیف کمّی» یاد می‌کند (نویدی و همکاران، ۱٤۰۲ش، ص۱۷۷).

در تضعیف کمّی متن، مترجم بدون توجیه دست به کاستن متن می‌زند که برعکس اطناب است. در این نوع تحریف، واژگان متن اصلی هدر می‌روند. در ترجمهٔ متون مقدس به ویژه قرآن کریم که در آن واژه‌ها و حتی حروف بار معنایی خاصی دارند، قطعاً در هدف اصلی کلام وحی انحراف ایجاد می‌شود.

۵- معرفی سه مترجم معاصر

۱- بهاءالدین خرمشاهی (۱۳۲٤ش) در قزوین؛ شاعر، نویسنده، قرآن‌پژوه و مترجم قرآن است.

۲- سیدعلی موسوی گرمارودی (۱۳۲۰ش) در گرمارود؛ شاعر، نویسنده، پژوهشگر و مترجم قرآن کریم است.

۳- محمدعلی کوشا (۱۳۳۱ش) در بیجار؛ قرآن‌پژوه، مفسر و مترجم قرآن کریم است.

سه مترجم منتخب و معاصر در ترجمهٔ خود به مبنا و اصولی پایبند بودند که یکی از آن اصول یکسانی ترجمهٔ آیات مشابه است؛ زیرا این یکسانی سبب می‌شود به متن اصلی بیشتر توجه شود و ترجمه شباهت بیشتری به متن اصلی پیدا کند.

گرمارودی در مؤخرهٔ ترجمهٔ خود می‌نویسد: «با استفاده از کتاب *المعجم المفهرس لآیات قرآن الکریم*، ترجمهٔ اکثر لغات و ترکیبات و تعبیرات همگون قرآن را در سراسر این کتاب، در حدی که مقدور بود یکدست کردم ... مگر در مورد کلماتی که در متن مقدس قرآن نیز، چند گونه به کار رفته‌اند.» (گرمارودی، ۱۳۸٤ش، ص ٦۳۱).

کوشا نیز می‌نویسد: «مبنای این ترجمه در کلمات، جملات و آیات مکرر، یکسان‌سازی در معانی آنهاست، مگر آنکه سیاق اقتضای جز آن را داشته باشد.» (کوشا، ۱۳۹۹ش، ص ٦۷۱).

در ترجمهٔ خرمشاهی تحت عنوان «حفظ وحدت و برابر نهادها»، در چاپ دوم ترجمه، آیات مشابه بیشتری به گونهٔ یکسان برگردان شدند، اما نه به طور کامل. رضایی کرمانی دربارهٔ ترجمهٔ خرمشاهی می‌نویسد: «همان‌گونه که یادآور شدیم و نمونه‌هایی آوردیم، یکسان‌سازی در حد مطلوب و بسیار بالایی در این ترجمه به چشم نمی‌خورد، هرچند اعتراف داریم که در این زمینه از بیشتر ترجمه‌های پیش از خود، پیشی گرفته و ممتاز است، ولی هنوز راه را در این زمینه بسیار گشوده است.» (رضایی کرمانی، ۱۳۹٤ش، ص ۳۷٤).

٦- اقسام مشابه، یا تکرار در قرآن کریم

پژوهشگران علوم قرآنی که در موضوع آیات مشابه یا تکراری اثر نوشته‌اند برای این نوع آیات انواع و اقسامی بیان کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- تکرار اسم‌ها، مانند «الله» «رب» «علیم»، فعل‌ها: «أنزَلنَا»«أرسَلنا»، حروف: «انّ»«انّما»؛ البته به این امر باید دقت داشت که برخی از کلمات چند معنا دارند و با توجه به جمله ترجمه می‌شوند، مانند «دین» که جزا یا آیین ترجمه می‌شود.

۲- جمله‌های مشابه، مانند «... انَّ اللهَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیر» و «... انَّ اللهَ بِمَا تَعمَلونَ بَصیر» در سوره‌های مختلف تکرار شدند.

۳- تکرار لفظی و متوالی یک کلمه یا یک جمله، مانند «هَیْهاتَ هَیْهاتَ ...» (مومنون: ۳٦) و «وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» (واقعه: ۱۰).

یا مانند «... وَ مَنْ یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَ یُخْرِجُ الْمَیِّتَ

مِنَ الْحَی ...» (یونس: ۳۱) که علاوه بر تکرار متوالی کلمه، با جملهٔ « یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَ یُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ ...» (روم: ۱۹) مشابه است.

٤- آیات مشابه در یک سوره، مانند «فَبِأَیِّ آلاءِ رَبِّکُما تُکَذِّبان» که در سورهٔ رحمن چندین بار تکرار شده است.

٥- آیات مشابه در دو یا چند سوره، مانند «هُوَ الَّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُون» (صف: ۸، توبه: ۳۳) «وَ یَقُولُونَ مَتی هذَا الْوَعْدُ إِنْ کُنْتُمْ صادِقینَ» که در شش سوره از قرآن تکرار شده است.

شمار دیگری از اقسام تشابه یا گونه‌های تکراری در قرآن وجود دارند که از موضوع پژوهش حاضر خارج می‌شوند. اما در این پژوهش چند نمونه آیات از اقسام بیان‌شده در سه ترجمهٔ معاصر بر اساس نظریهٔ آنتوان برمن بررسی و مقایسه می‌شوند. چند نمونه از آیات مشابه که بخش‌های تکراری دارند، چند نمونه از آیات مشابه در یک سوره و چند نمونه از آیات مشابه در دو سوره برای مقایسه و بررسی انتخاب شدند.

۷- ارزیابی سه ترجمه

۷-۱- ارزیابی سه ترجمه در برگردان بخش‌های تکراری آیات مشابه

از نکات قابل تأمل در برگردان آیات قرآن توجه به ترجمهٔ آیاتی است که در آنها واژه‌های تکراری وجود دارند. علاوه بر آن، گاهی این آیات با آیه‌های دیگر مشابه هستند. در این صورت، هم به ترجمهٔ آنها باید دقت داشت، هم به یکسانی آنها در موارد مشابه، مانند:

۷-۱-۱- «... یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَ یُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَی ...»(یونس: ۳۱، روم: ۱۹)

خرمشاهی: زنده را از مرده و مرده را از زنده برمی‌آورد،

زنده را از مرده برمی‌آورد و مرده را از زنده،

گرمارودی: ... زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد،

زنده را از مرده و مرده را از زنده برمی‌آورد،

کوشا: ... زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد،

زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد،

تحلیل ترجمه‌ها با توجه به نظریهٔ برمن

با توجه به نظریهٔ برمن در ترجمهٔ خرمشاهی، گرمارودی و ترجمه آیهٔ اول در ترجمهٔ کوشا تضعیف کمی صورت گرفته است؛ زیرا «یُخْرِجُ» در هر آیه دو بار تکرار شده، ولی یکی از واژه‌ها در ترجمه حذف شده است. این نوع کاهش‌دادن واژگان سبب از دست رفتن بخشی از بار معنایی می‌شود. باید توجه داشت حذف واژگان بدون در نظر داشتن مقصود نویسنده سبب تخریب متن می‌شود. در ترجمهٔ گرمارودی و کوشا، «بیرون می‌آورد» معادل فعل «یُخْرِجُ» قرار گرفته و سبب اطناب ترجمه شده است.

تکرار «یُخرِج» بر اهمیت موضوع دلالت دارد و حذف آن در ترجمه به آن آسیب می‌زند. در ترجمهٔ آیات، ترجمهٔ واژه‌های تکرای لازم است. برای مثال، در آیهٔ «إِنَّ اللّهَ فالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوی یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَ مُخْرِجُ الْمَیِّتِ مِنَ الْحَیِّ ...» (انعام: ۹۵) که با آیات بیان‌شده مشابه است، واژهٔ «مُخْرِجُ» که به صورت اسم فاعل در آیه بیان شده است، یکی از وجوهش این است که بر «فالِقُ» ابتدای آیهٔ «إِنَّ اللّهَ فالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوی ...» عطف شده است (زمخشری، ۱٤۰۷ق، ج۲، ص٤۷) و قطعاً وجوه و اهداف دیگری در آن نهفته‌اند که بی‌توجهی به ترجمهٔ آنها به تحریف متن منجر می‌شود؛ بنابراین، در ترجمهٔ آیات نباید واژه‌های تکراری را بدون دلیل ادغام یا حذف کرد.

عملکرد مترجمان در یکسانی آیات مشابه

در ترجمهٔ خرمشاهی، واژهٔ «یُخرِجُ» در دو جمله ادغام شده است و یک برگردان در ترجمه دارد، جمله‌بندی غیریکسان است، واژهٔ «برمی‌آورد» در آیهٔ اول آخر جمله قرار گرفته و در آیهٔ دوم وسط جمله آمده است.

در ترجمهٔ گرمارودی، «یُخرِجُ» نیز ادغام و یک برگردان دارد، علاوه بر آن، در دو آیهٔ مشابه دو گونه ترجمه شده است: «می‌آورد» و « برمی‌آورد»، ولی جمله‌بندی یکسان است.

در ترجمهٔ کوشا، واژهٔ «یُخرِجُ» یکسان است، ولی در ترجمهٔ آیهٔ اول ادغام و در ترجمهٔ آیهٔ دوم، دو بار ترجمه شده است.

ترجمهٔ پیشنهادی: ... زنده را از مرده برمی‌آورد و مرده را از زنده برمی‌آورد ...

۷-۱-۲- «... يُولِجُ اللَّيْلَ فِی النَّهارِ وَ يُولِجُ النَّهارَ فِی اللَّيْلِ...» (حج: ٦١، لقمان: ۲۹، فاطر: ۱۳، حدید: ٦)

خرمشاهی: ... از شب می‌کاهد و بر روز می‌افزاید، و از روز می‌کاهد و بر شب می‌افزاید ...

از شب می‌کاهد و بر روز می‌افزاید و از روز می‌کاهد و بر شب می‌افزاید ... (۳ آیه)

گرمارودی: ... از شب می‌کاهد و بر روز می‌افزاید و از روز می‌کاهد و بر شب می‌افزاید ... (۳ آیه)

از شب می‌کاهد و به روز می‌افزاید و از روز می‌کاهد و به شب می‌افزاید ...

کوشا: شب را به روز و روز را به شب می‌رساند ... (٤ آیه)

تحلیل ترجمه‌ها با توجه به نظریهٔ برمن

با توجه به نظریهٔ برمن، در ترجمه‌های خرمشاهی و گرمارودی تخریب سیستم‌بندی متن صورت گرفته است؛ زیرا فعل مشابه «يُولِجُ» هر بار، دو بار ترجمه شده است؛ یعنی در هر آیه چهار بار، و نیز متضاد «می‌افزاید» و «می‌کاهد» ترجمه شده است. به ریشهٔ لغوی «يُولِجُ» توجه نشده است؛ واژه «يُولِجُ» از ریشهٔ «ولج» به معنای داخل‌شدن با سختی است (راغب اصفهانی، ۱٤۱۲ق، ص۸۸۲؛ مصطفوی، ۱۳٦۸ش، ج۱۳، ص۱۹٦) و تفسیر آیات وارد ترجمه شده است.

در هر سه ترجمه، «فی» معادل‌هایی نامناسب دارد. در ترجمهٔ کوشا، علاوه بر آن، تضعیف کمّی صورت گرفته است؛ زیرا «يُولِجُ» در در هر آیه دو بار تکرار شده است، ولی در ترجمه دو واژهٔ «يُولِجُ» ادغام شده‌اند و یک ترجمه برای آن در نظر گرفته شده است. این نوع کاهش‌دادن واژگان سبب از دست رفتن بخشی از بار معنایی می‌شود. هر کدام از واژه‌های قرآن بار معنایی خاص دارد. ادغام و حذف واژهٔ تکراری یا خلاصه‌سازی عبارت تکراری نه فقط از انتقال مقاصد بلاغی پدیدآورندهٔ متن بازمی‌ماند، که تأثیرات معنایی آن را خدشه‌دار خواهد کرد. اگرچه برخی باور دارند معمولاً در ترجمه همچنان که ساختار نحوی و معنای جمله سالم است، می‌توان واژهٔ تکراری را حذف کرد؛ اما این مطلب دربارهٔ قرآن شایسته نیست، زیرا از واژه‌های تکراری در متون مقدس به‌راحتی نباید چشم‌پوشی کرد.

عملکرد مترجمان در یکسانی آیات مشابه

در ترجمهٔ خرمشاهی و گرمارودی، در هر عبارت «يُولِجُ» دو بار و نیز یکسان ترجمه شده است. در ترجمهٔ گرمارودی، جمله‌ها تفاوتی اندک با هم دارند. در ترجمهٔ کوشا، «يُولِجُ» ادغام شده است، اما هر چهار جمله یکسان ترجمه شده‌اند.

ترجمهٔ پیشنهادی: شب را در روز درمی‌آورد و روز را در شب درمی‌آورد ...

۷-۱-۳- «... أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ ...» (مائده: ۹۲، تغابن: ۱۲، نور: ٥٤، محمد: ۳۳، نساء: ٥۹)

خرمشاهی: از خداوند و پیامبر اطاعت کنید (۲ آیه)

... از خداوند اطاعت کنید و از پیامبر [هم] اطاعت کنید،

... از خداوند اطاعت کنید و از پیامبر [هم] اطاعت کنید،

... از خداوند و از پیامبر اطاعت کنید

گرمارودی: ... از خداوند فرمانبرداری کنید و از پیامبر فرمان برید ... (٤ آیه)

... از خداوند فرمان برید و از پیامبر فرمانبرداری کنید ...

کوشا: ... از خدا اطاعت کنید و از پیامبر فرمان برید ...

... خدا را اطاعت کنید و از پیامبر فرمان برید، ...

... خدا را اطاعت کنید و پیامبر را فرمان برید، ... (۲ آیه)

از خدا اطاعت کنید و پیامبر را فرمان برید

تحلیل ترجمه‌ها با توجه به نظریهٔ برمن

با توجه به نظریهٔ برمن، در هر سه ترجمه تخریب سیستم‌بندی متن صورت گرفته است. «الله» و «الرَّسول» در هر سه آیه در جایگاه مفعول قرار دارند و آیه باید این‌گونه ترجمه می‌شد: «خدا را اطاعت کنید» یا «اطاعت کنید خدا را»، اما «از خدا اطاعت کنید» ترجمه شده است. در ترجمهٔ کوشا، در برخی از آیات جایگاه مفعول در ترجمه رعایت شده، ولی در برخی دیگر جایگاه مفعول در ترجمه رعایت نشده است. در هر سه ترجمه نیز منطقی‌سازی شده است؛ زیرا جایگاه فعل در ترجمه‌ها آخر جمله قرار گرفته است که با توجه به ساختار ترجمهٔ عربی به فارسی گاهی منطقی‌سازی اجباری می‌شود. در ترجمهٔ خرمشاهی، در سه آیه تضعیف کمّی واقع شده و فعل «أَطِيعُوا» یک بار ترجمه شده است. در ترجمهٔ خرمشاهی، [هم] نیز اضافه از متن اصلی است؛ بنابراین، ترجمهٔ خرمشاهی

اطناب نیز دارد.

عملکرد مترجمان در یکسانی آیات مشابه

در ترجمهٔ خرمشاهی، فعل «أطیعُوا» در همهٔ جمله‌ها «اطاعت کنید» ترجمه شده، اما در دو آیه، هر دو بار ترجمه شده و در دو آیه، ادغام شده است؛ بنابراین، ترجمهٔ جمله‌های مشابه غیریکسان شده است.

در ترجمهٔ گرمارودی، «أطیعُوا» در هر جمله دو بار، اما به دو گونهٔ «فرمانبرداری کنید» و «فرمان برید» ترجمه شده است. سه جمله یکسان ترجمه شده‌اند و یک جمله غیریکسان است.

در ترجمهٔ کوشا، «أطیعُوا» در هر جمله دو بار، اما به دو گونهٔ «اطاعت کنید» و «فرمان برید» ترجمه شده است. دو جمله غیریکسان و دو جمله یکسان ترجمه شده‌اند.

در قرآن، آیاتی دیگر مشابه این آیات وجود دارند، مانند «... أَطِیعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ...» (آل عمران: ۳۲ و ۱۳۲) «وَ أَطِیعُوا اللّـهَ وَ رَسُولَه...» (انفال: ٤٦). ترجمهٔ جمله‌هایی که در آنها «أطیعُوا» تکرار شده، باید با جمله‌هایی که در آنها یک بار «أطیعُوا» آمده است، متفاوت باشد. حذف واژه‌ها یا مترادف‌گزینی در واژه‌های تکراری در ترجمهٔ قرآن شایسته نیست و بر مبنای نظریهٔ برمن تضعیف کمّی صورت گرفته است.

ترجمهٔ پیشنهادی: ... اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید فرستاده را...

۷-۲- ارزیابی سه ترجمه در برگردان آیات مشابه در یک سوره

برخی از سوره‌های قرآن کریم متشکل از آیات مشابهی هستند که چندین بار تکرار شده‌اند. این آیات گاهی دو بار و گاهی بیشتر از دو بار تکرار شده‌اند. با توجه به اصل یکسانی آیات مشابه، باید برگردان آنها نیز همگون باشد؛ بنابراین، بهتر است این‌گونه آیات قبل از ترجمه شناسایی شوند، مانند:

۷-۲-۱- «إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیَةً وَ ما کانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنینَ» (شعراء: ۸، ٦۷، ۱۰۳، ۱۲۱، ۱۳۹، ۱۵۸، ۱۷٤، ۱۹۰) در شش آیه به طور کامل و در دو آیه (۱۵۸ و ۱۳۹) قسمتی از آیه است.

خرمشاهی: بی‌گمان در این مایه عبرتی هست، ولی بیشترینه آنان مؤمن نیستند

بی‌گمان در این مایه عبرتی هست، و بیشترینه آنان مؤمن نبودند (۵ آیه)

بی‌گمان در این مایه عبرتی هست و بیشترینه آنان مؤمن نبودند (۲ آیه)

گرمارودی: بی‌گمان در آن نشانه‌ای است و بیشتر آنان مؤمن نبودند.

کوشا: بی‌گمان در این (پدیده) نشانه‌ای [عبرت‌آموز] است، ولی بیشترشان مؤمن نیستند.

بی‌گمان در این (رویداد) نشانه‌ای [عبرت‌آموز] است، اما بیشتر آنان (بنی‌اسرائیل) مؤمن نبودند.

همانا در این (داستان ابراهیم) نشانه‌ای [عبرت‌آموز] است، ولی بیشتر اینان مؤمن نبودند.

همانا در این (رویداد) نشانه‌ای [عبرت‌آموز] است، ولی بیشترشان مؤمن نبودند. (۲ آیه)

همانا در این (رویداد) نشانه‌ای [عبرت‌آموز] است ولی بیشترشان مؤمن نبودند.

همانا در این (رویداد) نشانه‌ای [عبرت‌آموز] است، ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند (۲ آیه)

تحلیل ترجمه‌ها با توجه به نظریهٔ برمن

با توجه به نظریهٔ برمن، در هر سه ترجمه تخریب سیستم‌بندی متن صورت گرفته است؛ زیرا «مؤمنین» اسم فاعل و جمع است، اما در همهٔ ترجمه‌ها اسم مفرد ترجمه شده است. با توجه به ساختار عربی متن اصلی، در ترجمه به‌ناچار منطقی‌سازی انجام شده است و جمله‌های فارسی با فعل تمام شده‌اند. در ترجمهٔ کوشا، شفاف‌سازی و اطناب صورت گرفته است و توضیحات اضافه به گونه‌ای هستند که نبودن آنها در جمله خللی ایجاد نمی‌کند و باعث طولانی‌شدن جمله شده‌اند.

عملکرد مترجمان در یکسانی آیات مشابه

در ترجمهٔ گرمارودی به یکسانی ترجمهٔ آیات مشابه در این مورد دقت شده است و هشت آیه یکسان ترجمه شده‌اند؛ ولی در ترجمهٔ خرمشاهی و کوشا غیریکسان ترجمه شده‌اند.

ترجمهٔ پیشنهادی: قطعاً در آن نشانه‌ای است ولی بیشتر آنها ایمان‌آورندگان نبودند.

۷-۲-۲- «وَ إِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ» (شعراء: ۹، ٦۸، ۱۰٤، ۱۲۲، ۱٤۰، ۱۵۹، ۱۷۵، ۱۹۱).

خرمشاهی: و همانا پروردگارت پیروزمند مهربان است (٦ آیه)

همانا پروردگارت پیروزمند مهربان است

بی‌گمان پروردگارت پیروزمند مهربان است

گرمارودی: و به‌راستی پروردگار توست که پیروزمند بخشاینده است (٦ آیه)

و بی‌گمان پروردگار توست که پیروز بخشاینده است.

و به‌راستی پروردگار توست که پیروز بخشاینده است.

کوشا: و بی‌گمان، پروردگار توست که پیروزمند مهربان است (۷ آیه)

و همانا پروردگار توست که پیروزمند مهربان است.

تحلیل ترجمه‌ها با توجه به نظریهٔ برمن

با توجه به نظریهٔ برمن، در هر سه ترجمه منطقی‌سازی شده است؛ زیرا متن مبدأ فعل ندارد و در ترجمه به‌ناچار فعل نیاز دارد، اما در ترجمهٔ خرمشاهی منطقی‌سازی اجباری شده و «است» در آخر جملهٔ فارسی آمده است، ولی در ترجمهٔ گرمارودی و کوشا، علاوه بر آن، در وسط جمله منطقی‌سازی اختیاری صورت گرفته و واژهٔ «توست» در ترجمه اضافه شده است. حرف «کَ» در واژهٔ «ربکَ» ضمیر متصل است. ترجمهٔ خرمشاهی بهتر ترجمه شده است؛ زیرا واژهٔ «پروردگارت» کوتاه‌تر و شبیه‌تر به متن اصلی است، ولی در ترجمهٔ گرمارودی و کوشا اطناب صورت گرفته است.

در هر سه ترجمه تضعیف کمّی صورت گرفته است؛ زیرا واژهٔ «لَهو» در ترجمه معادل ندارد. در ترجمهٔ کوشا، معادل «لَهو»، «که» قرار گرفته که حرف ربط است نه ترجمهٔ «لَهو». تأکید در ترجمه تخریب شده است؛ زیرا در این آیات «انَّ» و «لَهو» تأکید زیادی بر «عزیز» و «رحیم» بودن خداوند دارند، ولی در ترجمه‌ها تأکید به‌درستی ترجمه نشده است. همچنین، در ترجمهٔ خرمشاهی «وَ» در دو ترجمه معادل ندارد.

عملکرد مترجمان در یکسانی آیات مشابه

در ترجمهٔ خرمشاهی و گرمارودی، شش آیه یکسان و دو آیه با تفاوت اندک غیریکسان ترجمه شده‌اند. در ترجمهٔ کوشا، هفت آیه یکسان ترجمه شده‌اند و یک آیه ترجمهٔ غیر یکسان دارد.

ترجمهٔ پیشنهادی: و به‌درستی پرورگارت قطعاً همان شکست‌ناپذیر مهربان است.

۷-۲-۳- «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُونِ» (شعراء: ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۲٦، ۱۳۱، ۱٤٤، ۱۵۰، ۱٦۳، ۱۷۹).

خرمشاهی: پس از خداوند پروا و از من پیروی کنید (۷ آیه)

پس از خدا پروا و از من پیروی کنید

گرمارودی: پس، از خداوند پروا کنید و از من فرمان برید.

کوشا: بنابراین، از خدا پروا کنید و مرا فرمان برید. (٦ آیه)

بنابراین، از خدا پروا کنید و از من فرمان برید. (۲ آیه)

تحلیل ترجمه‌ها با توجه به نظریهٔ برمن

با توجه به نظریهٔ برمن، در ترجمهٔ خرمشاهی تضعیف کمّی صورت گرفته است. واژه‌های «فَاتَّقُوا» و «أَطِیعُونِ» دو فعل جداگانه هستند که در ترجمهٔ خرمشاهی ناقص ترجمه شده‌اند، به طوری که فعل «کنید» یک بار برای دو فعل «پروا کنید» و «پیروی کنید» بیان شده است. در ترجمهٔ خرمشاهی و گرمارودی و کوشا، در ترجمهٔ دو آیه تخریب سیستم متن صورت گرفته است؛ زیرا «نِ» در «أَطِیعُونِ» در جایگاه مفعول قرار داردف اما در ترجمه «از من فرمان برید» ترجمه شده و ساختار عربی در ترجمهٔ فارسی به هم ریخته است. در ترجمهٔ کوشا اطناب انجام شده است؛ زیرا برای حرف «فَ» «بنابراین» جایگزین شده که طولانی‌تر است.

عملکرد مترجمان در یکسانی آیات مشابه

در ترجمهٔ گرمارودی هشت آیهٔ مشابه یکسان ترجمه شده‌اند؛ اما در ترجمهٔ خرمشاهی، هفت آیه یکسان و یک آیه غیریکسان ترجمه شده‌اند. در ترجمهٔ کوشا، شش آیه یکسان و دو آیه متفاوت با بقیه ترجمه شده‌اند.

ترجمهٔ پیشنهادی: پس از خداوند پروا کنید و مرا فرمان برید.

۷-۳- ارزیابی سه ترجمه در برگردان آیات مشابه در دو یا چند سوره

قرآن کریم متشکل از آیاتی مشابه است که در برخی از سوره‌ها تکرار شده‌اند. این آیات گاهی در دو سوره و گاهی در چندین سوره تکرار شده‌اند. با توجه به اصل یکسانی آیات مشابه، باید برگردان آنها نیز همگون باشد؛ بنابراین، بهتر است این‌گونه آیات قبل از ترجمه شناسایی شوند، مانند:

۷-۳-۱- «وَ یَقُولُونَ مَتی هذَا الْوَعْدُ إِنْ کُنْتُمْ صادِقینَ» (یونس: ۴۸، انبیا: ۳۸، نمل: ۷۱، سبأ: ۲۹، یس: ۴۸ و ملک: ۲۵)

خرمشاهی: و گویند اگر راست می‌گویید [سررسید] این وعده کی خواهد بود؟

و گویند اگر راست می‌گویید پس کی این وعده فرا می‌رسد؟

و گویند اگر راست می‌گویید این وعده کی فرا می‌رسد؟

و می‌گویند اگر راست می‌گویید، پس کی این وعده فرا می‌رسد؟

وگویند اگر راست می‌گویید این وعده کی فرا می‌رسد (۲ آیه)

گرمارودی: و می‌گویند: اگر راست می‌گویید این وعده کی می‌رسد؟

کوشا: و گویند: اگر راست می‌گویید، این وعده[ی عذاب] کی خواهد بود؟

و گویند: اگر راست می‌گویید این وعده[ی عذاب] کی خواهد بود؟

و گویند: اگر راست گویید، این وعده کی خواهد بود؟

و گویند: اگر راست می‌گویید، این وعده (قیامت) کی خواهد بود؟

و گویند: اگر راست می‌گویید، این وعده کی خواهد بود؟

و گویند: این وعده کی خواهد بود، اگر راست گویید؟

تحلیل ترجمه‌ها با توجه به نظریهٔ برمن

با توجه به نظریهٔ برمن، در هر سه ترجمه تخریب سیستم متن صورت گرفته است. «إِنْ کُنْتُمْ صادِقینَ» در متن اسم فاعل و جمع آمده، ولی در همهٔ ترجمه‌ها معنای جمله تخریب شده؛ زیرا «اگر راست گویید» یا «اگر راست می‌گویید» ترجمه شده است. جایگاه دو جمله نیز در ترجمه تغییر کرده است؛ یعنی ابتدا جملهٔ دوم و در ادامه جملهٔ اول ترجمه شده است. کوشا فقط در ترجمهٔ یکی از این شش آیه، جایگاه جمله‌ها را رعایت کرده است. «یَقُولُونَ» فعل مضارع است و استمرار را می‌رساند. در ترجمهٔ کوشا همهٔ آیه‌ها و در ترجمهٔ خرمشاهی به‌غیر از یک آیه، بقیه به صورت «گویند» ترجمه شده‌اند. «گویند» زمان آینده را در نظر دارد.

عملکرد مترجمان در یکسانی آیات مشابه

ترجمهٔ گرمارودی در شش آیه یکسان است، ولی بقیهٔ مترجمان هر آیه‌ای را به گونه‌ای ترجمه کردند؛ خرمشاهی از این شش آیه، پنج گونه ترجمه دارد و کوشا از این شش آیهٔ کاملاً مشابه، شش نوع ترجمه دارد.

ترجمهٔ پیشنهادی: و می‌گویند: این وعده کی می‌رسد، اگر راستگو هستید؟

یا

و می‌گویند: این وعده کی می‌رسد، اگر راستگویانید؟

۷-۳-۲- «فَأَلْقی عَصاهُ فَإِذا هِیَ ثُعْبانٌ مُبِینٌ» (شعراء: ۳۲، اعراف: ۱۰۷)

خرمشاهی: آنگ اه[موسی] عصایش را درانداخت و ناگهان به صورت اژدهایی آشکار درآمد

آنگاه عصایش را درانداخت و ناگهان به صورت اژدهایی آشکار درآمد

گرمارودی: آنگاه (موسی) چوبدست خود را فرو افکند که ناگهان اژدهایی آشکار شد.

آنگاه او چوبدستش را فرو افکند ناگهان (دیدند که) اژدهایی است آشکار

کوشا: پس چوبدستی خود را افکند، که ناگاه اژدهای آشکاری شد.

پس چوبدستی‌اش را افکند که ناگهان اژدهایی آشکار شد.

تحلیل ترجمه‌ها با توجه به نظریهٔ برمن

با توجه به نظریهٔ برمن، تضعیف کمّی صورت گرفته است؛ زیرا در هیچ کدام از ترجمه‌ها «هِیَ» ترجمه نشده است. در

ترجمهٔ گرمارودی، در آیهٔ دوم حرف «فَ» وسط آیه نیز معادل ندارد.

در ترجمهٔ خرمشاهی اطناب انجام شده است. «به صورت» در آیه معادل ندارد. در هر سه ترجمه، فعل وجود ندارد، اما در هر سه ترجمهٔ فارسی به‌ناچار منطقی‌سازی شده و «درآمد»، «شد» و «است» به ترجمه‌ها اضافه شده است. در ترجمهٔ گرمارودی، در ترجمهٔ آیه دوم، «او» اضافه شده است که در آیه معادل ندارد. در ترجمهٔ خرمشاهی و گرمارودی، [موسی] (موسی) (دیدند که) برای شفاف‌سازی در ترجمه آمده است که نیازی به این شفاف‌سازی نبوده و سبب اطناب در ترجمه شده است.

عملکرد مترجمان در یکسانی آیات مشابه

در ترجمهٔ خرمشاهی دو آیه یکسان ترجمه شده‌اند، فقط آیهٔ اول [موسی] به ترجمه اضافه شده است. در ترجمهٔ گرمارودی دو آیه غیریکسان ترجمه شده‌اند. در ترجمهٔ کوشا دو آیه با تفاوت اندک غیریکسان ترجمه شده‌اند.

ترجمهٔ پیشنهادی: پس موسی عصایش را افکند پس به ناگاه آن اژدهایی آشکار شد.

۷-۳-۳- «وَ نَزَعَ يَدَهُ فَإِذا هِيَ بَيْضاءُ لِلنّاظِرِينَ» (شعراء: ۳۳، اعراف: ۱۰۸)

خرمشاهی: و دستش را [از گریبانش] بیرون آورد، و ناگهان سپید و درخشان در دید تماشاگران پدیدار شد

گرمارودی: و دستش را برآورد که ناگهان در چشم بینندگان درخشان شد.

و دستش را (از گریبان) بیرون کشید ناگهان برای بینندگان سپید (و تابان) شد

کوشا: و دستش را [از گریبان] بر آورد، ناگاه برای بینندگان سپید و درخشان پدیدار شد.

و دستش را [از گریبان] بیرون کشید که ناگاه برای بینندگان سپید و رخشان شد.

تحلیل ترجمه‌ها با توجه به نظریهٔ برمن

در هر سه ترجمه اطناب صورت گرفته است؛ زیرا واژهٔ «بَيضاء» این‌گونه «سپید و تابان» و «سپید و درخشان» ترجمه شده است، در صورتی که یک واژه برای ترجمهٔ آن کافی است. ترجمه‌های «در دید تماشاگران» در ترجمهٔ خرمشاهی و «در چشم بینندگان» در ترجمهٔ گرمارودی نیز برای واژه «لِلنّاظِرِينَ» طولانی‌تر از متن هستند و اطناب انجام شده است. «پدیدار شد» نیز در ترجمهٔ خرمشاهی و یکی از ترجمه‌های کوشا در آیه معادل ندارد؛ هرچند «شد» در دیگر ترجمه‌ها نیز معادل ندارد و در ترجمهٔ فارسی به‌ناچار منطقی‌سازی شده است.

در هیچ کدام از ترجمه‌ها «هيَ» ترجمه نشده و تضعیف کمّی صورت گرفته است. معادل حرف «فَ» در یکی از ترجمه‌های گرمارودی و کوشا «که» و در ترجمهٔ خرمشاهی «و» آمده که حرف ربط است، ولی در بقیهٔ ترجمه‌ها معادل ندارد. آوردن واژه درون پرانتز یا قلاب (از گریبان) نیز در هر سه ترجمه شفاف‌سازی شده که سبب اطناب ترجمه نسبت به متن شده است. در برخی از موارد، برای برطرف‌کردن ابهام خواننده نیاز است در ترجمه شفاف‌سازی شود. البته گرمارودی در ترجمهٔ آیهٔ ۳۳ شعراء این شفاف‌سازی را انجام نداده است و ابهامی هم در ترجمه دیده نمی‌شود.

عملکرد مترجمان در یکسانی آیات مشابه

در ترجمهٔ خرمشاهی هر دو آیهٔ مشابه یکسان ترجمه شده‌اند، اما در ترجمهٔ گرمارودی و کوشا دو آیه مشابه غیریکسان ترجمه شده‌اند.

ترجمهٔ پیشنهادی: و دستش را برآورد، پس به ناگاه، آن برای بینندگان سفید شد.

۸- نتیجه‌گیری

۱- در این پژوهش، برگردان ۴۵ آیه و جمله مشابه در سه بخش ارزیابی شد: بخش اول برگردان ۱۱ جملهٔ مشابه که واژه‌های تکراری دارند، بخش دوم برگردان ۲۴ آیه مشابه که در یک سوره تکرار شدند و بخش سوم برگردان ۹ آیه که هر دو یا چند آیهٔ مشابه در سوره‌های مختلف تکرار شدند. هر بخش با توجه به تشابه آیات و جمله‌ها، شامل سه قسمت است.

آیات و جمله‌های مشابه منتخب بر اساس برخی از مؤلفه‌های تحریف متن برمن که بیشترین تکرار را در سه ترجمهٔ معاصر (خرمشاهی، گرمارودی و کوشا) داشتند، ارزیابی

شدند.

این مؤلفه‌ها که سبب دورشدن ترجمه از متن اصلی شده‌اند، عبارت‌اند از: منطقی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب، تخریب سیستم‌بندی متن و تضعیف کمّی متن.

در برگردان آیات مشابه، منطقی‌سازی اختیاری که شامل تخریب ساختارهای زبان مبدأ است، در هر سه ترجمه رخ داده است.

کاربرد واژه‌ای مترادف در ترجمهٔ یک واژه، شفاف‌سازی، استفاده از توضیحات تفسیری و آوردن برخی از کلماتی که در متن مبدأ معادلی ندارد، سبب اطناب ترجمه‌ها شده است.

نادیده‌گرفتن تأکیدها، ادغام یا حذف واژه‌های یکسان در آیات و بی‌توجهی به برخی از حروف سبب تضعیف کمّی در هر سه ترجمه شده است.

جدول (۱) میزان تحریف متن سه مترجم را در برگردان نمونه‌هایی از آیات مشابه، با توجه به نظریهٔ آنتوان برمن، برحسب تعداد نشان داده است:

جدول (۱): تعداد تحریف متن در نمونه‌هایی از آیات مشابه با توجه به نظریهٔ برمن

نام مترجم	تعداد آیه‌ها	منطقی‌سازی	شفاف‌سازی	اطناب	تخریب سیستم‌بندی‌های متن	تضعیف کمّی
خرمشاهی	٤٥	۷	۳	۸	٤٤	۲۱
گرمارودی	٤٥	۱۳	۳	۱۳	۳۸	۱۲
کوشا	٤٥	١٤	۱۰	۲٦	۳۷	١٤

در منطقی‌سازی، شفاف‌سازی و اطناب، بیشترین تحریف را به‌ترتیب کوشا، گرمارودی و خرمشاهی داشته است. در این آمار، منطقی‌سازی‌های اختیاری شمارش شده‌اند.

در تخریب سیستم بندی‌های متن، بیشترین تحریف را به ترتیب خرمشاهی، گرمارودی و کوشا داشته است.

در تضعیف کمّی، بیشترین تحریف را به‌ترتیب خرمشاهی، کوشا و گرمارودی داشته است.

۲- در این پژوهش بررسی شد مبنای نظری سه مترجم یکسانی ترجمهٔ آیات مشابه است و در مؤخره یا مقدمهٔ ترجمهٔ خود به رعایت حفظ وحدت در سراسر ترجمه و یکسانی ترجمهٔ آیات و عبارت‌های مشابه اشاره کرده‌اند. این مبنا با الگوی آنتوان برمن هم‌خوانی دارد که به اصالت متن توجه دارد و رعایت آن می‌تواند ترجمه‌ای امانتدار به متن اصلی ارائه دهد.

اما در این سه ترجمه، در بررسی برگردان هر سه بخش از آیات مشابه، که هر بخش شامل سه قسم آیات شبیه به هم بود، به‌وضوح مشخص شد ترجمه مطابق مبنای نظری آنها واقع نشده است و عملاً بیشتر آیات مشابه غیریکسان ترجمه شده‌اند و به دلیل همین ناهمگونی، ترجمه از متن مبدأ فاصله گرفته است.

این سه بخش شامل جمله‌های مشابهی که بخش‌های تکراری دارند و در سوره‌های مختلف تکرار شده‌اند و شامل آیات مشابه که در یک سوره و آیات مشابه که در سوره‌های مختلف تکرار شده‌اند، بودند که هر بخش با توجه به شباهت آیات نیز شامل سه قسمت شد و جمعاً برگردان ۹ قسم آیات و جمله‌های مشابه مقایسه و ارزیابی شد.

جدول (۲) عملکرد سه مترجم را در میزان یکسانی و غیریکسانی نمونه‌هایی از آیات مشابه برحسب تعداد نشان داده است:

جدول (۲): عملکرد مترجمان در یکسانی ترجمه نمونه‌هایی از آیات مشابه

نام مترجم	تعداد مثال‌ها	ترجمهٔ کاملاً یکسان	برخی یکسان و برخی غیریکسان	غیریکسان
خرمشاهی	۹	۲	۵	۲
گرمارودی	۹	۳	۳	۳
کوشا	۹	۱	۵	۳

در یکسانی ترجمهٔ نمونه‌هایی از آیات مشابه، بیشترین یکسانی به‌ترتیب ترجمهٔ گرمارودی، خرمشاهی و کوشاست.

منابع

قرآن کریم

الازهری، محمد.(۲۰۰۱م). *التهذیب اللغه*، بیروت: داراحیاء التراث العربی، الطبعة الاولی.

ابن منظور، محمد. (۱٤۱٤ق). *لسان العرب* (چاپ سوم). بیروت: دارصادر.

احمدی، محمدرحیم. (۱۳۹۲ش). آنتوان برمن و نظریهٔ «گرایش‌های ریخت‌شکنانه». *دوفصلنامهٔ نقد زبان و ادبیات خارجی*، ۵(۲)، ۲۰-۱.
https://doi.org/10.22034/rllfut.2023.51475.1364

افضلی، فرشته، و ثنایی، حمید. (۱۳۹۹ش). ارزیابی شگردهای ترجمهٔ طاهره صفارزاده بر پایهٔ عوامل تحریف متن آنتوان برمن، مطالعهٔ موردی: سورهٔ نساء. *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، ۹(۱)، ۱۳۷-۱۵۲.
https://doi.org/10.22108/nrgs.2020.122906.1523

برمان، آنتوان. (۱۹۹۹م). *ترجمه و جزء کلمه یا بیتوته در دور دست* (فاطمه عشقی، مترجم، چاپ اول). تهران: ماهریس.

برمان، آنتوان. (۲۰۱۰م). *الترجمه و الحرف أو مقام البعد* (عزّ الدین الخطابی، مترجم و محقق). بیروت: المنظمه العربی للترجمه.

جرجانی، علی. (۱۹۸۳م). *التعریفات*. بیروت: دارالکتب العلمیه، الطبعه الاولی.

حاجی‌خانی، علی، ناصری، مهدی، و برزنونی، حسن. (۱۳۹۵ش). بررسی تطبیقی یکسان‌سازی ترجمهٔ اسم، فعل و حرف در ترجمه‌های معاصر قرآن کریم. *مطالعات تطبیقی قرآن‌پژوهی*، ۱(۲)، ۱۲۱-۱٤۸.
https://civilica.com/doc/984858

خرمشاهی، بهاءالدین. (۱۳۹۸ش). *ترجمهٔ قرآن کریم*. تهران: دوستان.

راغب اصفهانی، حسین. (۱٤۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن* (صفوان عدنان داوودی، محقق، چاپ اول). بیروت: دارالعلم دارالشامیة.

رحیمی‌خویگانی، محمد. (۱۳۹٦ش). نقد واژگانی ترجمهٔ موسوی گرمارودی از قرآن کریم (با تکیه بر سطح معنایی-لغوی گارسس). *مطالعات ترجمهٔ قرآن و حدیث*، ٤، ٦۹-۹٤.
https://qhts.modares.ac.ir/article-10-6224-fa.html

رضایی‌اصفهانی، محمدعلی، و همکاران. (۱۳۸۳ش). *ترجمهٔ قرآن*. قم: مؤسسهٔ تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر.

رضایی کرمانی، محمدعلی. (۱۳۹٤ش). *نقدی بر ترجمهٔ جدید قرآن «ترجمه خرمشاهی»*، *مجموعه مقالات فارسی ترجمهٔ قرآن مجید* (جلد ششم، چاپ اول). قم: مؤسسهٔ فرهنگی ترجمان وحی.

زرکار، زهره، و نجفی ایوکی، علی. (۱۳۹۸ش). زیبایی‌شناسی آیات مشابه در قرآن کریم. *پژوهشنامهٔ تفسیر و زبان قرآن*، ۷(۲)، ۱۳۵-۱۵۰.
https://doi.org/10.30473/quran.2019.5998

زمخشری، محمود. (۱٤۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل* (جلد دوم، چاپ سوم). بیروت: دارالکتاب العربی.

سیاوشی، کرم، و سلمانیان، سمیه. (۱۳۹۵ش). چالش‌های ترجمهٔ آیات متشابه لفظی مفرد در قرآن کریم (موردکاوی: موارد ناهمگون به لحاظ اسم و فعل یا نوع فعل). *نشریهٔ مطالعات ترجمهٔ قرآن و حدیث*، ۳(۲)، ۱۲۵-۱۵۵. https://ensani.ir/fa/article/370587

عقیلی‌آشتیانی، علی‌اکبر. (۱۳۸۳ش). *ترجمه متون ادبی*. تهران: رهنما.

غضنفری، محمد. (۱۳۹٤ش). *نگاهی به تکرارهای واژگانی قرآن از منظر زبانشناسی نقشی-سازگانی و دشواری ترجمهٔ این‌گونه عناصر*، *مجموعه مقالات فارسی ترجمهٔ قرآن مجید* (جلد پنجم، چاپ اول). قم: مؤسسهٔ فرهنگی ترجمان وحی.

فراهیدی البصری، خلیل. (۱۳٦٤ش). *العین* (چاپ

اول). قم: دارالهجره.

قرشی بنابی، سید علی‌اکبر. (۱۳۷۱ش). *قاموس قرآن* (چاپ ششم). تهران: دارالکتب الإسلامیة.

کریمی‌نیا، مرتضی. (۱۳۹٤ش). *پدیدهٔ تکرار در قرآن و مسئلهٔ ترجمهٔ آن، مجموعه مقالات فارسی ترجمهٔ قرآن مجید* (جلد دوم، چاپ اول). قم: مؤسسهٔ فرهنگی ترجمان وحی.

کوشا، محمدعلی. (۱۳۹۹ش). *ترجمهٔ تطبیقی با پانوشت‌های توضیحی* (چاپ اول). تهران: نشرنی.

مصطفوی، حسن. (۱۳٦۸ش). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم* (چاپ اول). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

موسوی گرمارودی، سیدعلی. (۱۳۸٤ش). *ترجمهٔ قرآن (گرمارودی)* (چاپ دوم). تهران: قدیانی.

مهدی‌پور، فاطمه. (۱۳۸۹ش). نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن از نظر آنتوان برمن. *کتاب ماه ادبیات*، ٤، ٥۷-٦۳.

نامداری، ابراهیم، بابازاده اقدم، عسگر، خانلری، جواد، و مهدی چهل‌خانه، فاطمه. (۱٤۰۰ش). بررسی ترجمهٔ آیت الله مکارم شیرازی از قرآن با تکیه بر الگوی تحریف آنتوان برمن (مطالعهٔ موردی: آیات سورهٔ جمعه). *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، ۱۰(۱)، ۱۹۱-۲۰٦.
https://doi.org/10.22108/nrgs.2021.127185.1622

نویدی، عبدالوحید، عموری، نعیم، و گلی، حسین. (۱٤۰۲ش). ارزیابی ترجمهٔ الهی قمشه‌ای بر اساس نظریهٔ آنتوان برمن (موردپژوهی سورهٔ مریم). *فصلنامهٔ قرآن، فرهنگ و تمدن*، ٤(٤)، ۱٥۸-۱۸۳.
https://doi.org/10.22034/jksl.2023.419261.1253

نیازی، شهریار، اصغری، جواد، و هاشمی، انسیه. (۱۳۹۹ش). بررسی کارآمدی الگوی برمن در ارزیابی ترجمهٔ قرآن؛ مورد مطالعه: گرایش منطقی‌سازی. *نشریهٔ زبان‌پژوهی*، ۱۲(۳)، ۱۱۱-۱۳۸.
https://doi.org/10.22051/jlr.2019.24400.1654

Referencas

Houly Quran

Afzali, F., & Sanaei, H. (2020). Evaluating Tahereh Safarzadeh's translation strategies based on Antoine Berman's text distortion factors: A case study of Surah Al-Nisa. *Linguistic Studies of the Quran*, *9*(1), 137-152. https://doi.org/10.22108/nrgs.2020.122906.1523 [In Persian]

Aghili Ashtiani, A. A. (2004). *Translation of literary texts*. Tehran: Rahnama. [In Persian]

Ahmadi, M. R. (2013). An introduction to the deconstructive trends of Antoine Berman. *Critical Language and Literary studies*, *5*(2), 1-20. https://doi.org/10.22034/rllfut.2023.51475.1364 [In Persian]

Al-Azhari, M. B. A. (2001). *Al-tahdhib al-lughah* (1st ed.). Beirut: Dar Ahya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]

Al-Farrahi Al-Basri, K. B. A. (1985). *Al-ain* (1st ed.). Qom: Dar al-Hijrah. [In Arabic]

Al-Zamakhshari, M. b. A. (1986). *Al-kashshaf 'an haqaiq ghamud al-tanzil wa 'uyun al-aqawil fi wujuh al-ta'wil* (Vol. 2, 3rd ed.). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]

Berman, A. (1999). *The transfer and the word or dwelling in the distance* (F. Oshghi, Trans.). Tehran: Mahris. [In Persian]

Berman, A. (2010). *The transfer and the word or dwelling in the distance* (A. A. Al-Khattabi, Trans. & Res.). Beirut: Arab Translator House. [In Arabic]

Ghazanfari, M. (2015). A look at the lexical repetitions of the Quran from the perspective of systemic-functional linguistics and the difficulty of translating such elements. In *Collection of Persian articles on the translation of the Holy Quran* (Vol. 5, pp. 25-48).

based on Antoine Berman's distortion model (Case study: Verses of Surah Al-Jumu'ah). *Linguistic Studies*, *10*(1), 191-206. https://doi.org/10.22108/nrgs.2021.127185.1622 [In Persian]

Navidi, A., Amori, N., & Goli, H. (2023). Evaluating the translation of Elahi Qomshe'i based on Antoine Berman's theory (Case study: Surah Maryam). *Journal of Quran, Culture, and Civilization*, *4*(4), 160-181. https://doi.org/10.22034/jksl.2023.419261.1253 [In Persian]

Niazi, S., Asghari, J., & Hashemi, E. (2020). Examining the effectiveness of Berman's model in evaluating Quranic translation; Case study: the tendency of rationalization. *Journal of Language Research*, *12*(3), 111-138. https://doi.org/10.22051/jlr.2019.24400.1654 [In Persian]

Qorashi Bonabi, S. A. (1992). *Qamus al-Quran*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian]

Ragheb Isfahani, H. b. M. (1991). *Mufradat alfaz al-Quran* (S. A. Davoodi, Res., 1st ed.). Beirut: Dar al-Ilm Dar al-Shamiya. [In Arabic]

Rahimi Khoygani, M. (2017). Lexical critique of Mousavi Garroudi's translation of the Holy Quran (focusing on Garcês's semantic-lexical level). *Journal of Quranic Translation and Hadith Studies*, *4*, 85-112. https://qhts.modares.ac.ir/article-10-6224-fa.html [In Persian]

Rezaei Esfahani, M. A., et al. (2004). *Translation of the Quran*. Qom: Dar al-Zikr Cultural and Research Institute. [In Persian]

Rezaei Kermani, M. A. (2015). A critique of the new translation of the Quran, "Khorramshahi's Translation". In *Collection of Persian articles on the translation of the Holy Quran* (Vol. 6, pp. 121-140). Qom: Markaz-e Farhangi-ye Tarjoman-e Vahy. [In Persian]

Qom: Markaz-e Farhangi-ye Tarjoman-e Vahy. [In Persian]

Hajikhani, A., Naseri, M., & Barzanouni, H. (2016). A comparative study of the standardization of noun, verb, and particle translation in contemporary translations of the Holy Quran. *Comparative Studies of Quranic Research*, *1*(2), 121-148. https://civilica.com/doc/984858 [In Persian]

Ibn Manzur, M. b. M. (1993). *Lisan al-Arab* (3rd ed.). Beirut: Dar Sadir. [In Arabic]

Jorjani, A. (1983). *Al-ta'rifat*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah, al-Ta'ba al-ola. [In Arabic]

Karimi Nia, M. (2015). The phenomenon of repetition in the Quran and the issue of its translation. In *Collection of Persian articles on the translation of the Holy Quran* (Vol. 2, pp. 30-55). Qom: Markaz-e Farhangi-ye Tarjoman-e Vahy. [In Persian]

Khorramshahi, B. (2019). *Translation of the Holy Quran*. Tehran: Dostan. [In Persian]

Kousha, M. A. (2020). *Comparative translation with explanatory footnotes* (1st ed.). Tehran: Nashr-e Ni. [In Persian]

Mahdipour, F. (2010). A review of the development of translation theories and an examination of the text distortion system from Antoine Berman's perspective. *Book Month: Literature*, *4*, 57-63. [In Persian]

Mosavi Garmaroudi, S. A. (2005). *Translation of the Quran (Garroudi)* (2nd ed.). Tehran: Gadyani. [In Persian]

Mostafavi, H. (1989). *Al-tahqiq fi kalimat al-Quran al-Karim* (1st ed.). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Arabic]

Namdari, A., Babazadeh Aghdam, A., Khanlari, J., & Chehelkhaneh, F. M. (2021). Examining the translation of Ayatollah Makarem Shirazi's Quran

Siavashi, K., & Soleimani, S. (2016). Challenges in translating singular lexical verses in the Holy Quran (Case study: incongruous cases in terms of noun and verb or verb type). *Journal of Quranic Translation and Hadith Studies*, *3*(2), 56-78. . https://ensani.ir/fa/article/370587 [In Persian]

Zarkaar, Z., & Najafi Ayooki, A. (2019). The aesthetics of similar verses in the Holy Quran. *Quarterly Journal of Quranic Interpretation and Language*, *7*(2). https://doi.org/10.30473/quran.2019.5998. [In Persian]